

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 4, Summer 2020, 397-412
Doi: 10.30465/crts.2020.5325

Review of *Negaresh and Virayesh*

Yadollah Nasrollahi*

Abstract

Negaresh and Virayesh is a valuable work of Ahmad Samii (Gilani) which has been a student book, and a resource for students for many years in teaching writing and spelling. The numerous prints and a large number of reprints have proved it to be of great interest to readers and audiences. The book has two main parts: Writing and Editing, in which Samii Gilani has explained and argued as much as possible, citing evidence and arguments. The major errors and slips found in the first section (writing) of the work are: lack of introduction, section titles in sentence form, inconsistent paragraph organization, insertion and explanation of non-writing entries; research paper, reference, definition section. They do not seem appropriate to the writing effect. Editing section errors (mentioning linguistic errors) include: not giving sufficient reasons for enumerating linguistic errors (editing language), insisting on the contradiction of word spellings, separation in spelling contradicting spelling words with the Farsi script. This article seeks to cite as much as possible the evidence of the work. The research method of this paper is comparative, analytical, and critical, the evidence of which is gathered through documentary and invoice method.

Keywords: Negaresh and Virayesh, Review, Formal Errors, Editing Error.

* Assistant Professor of Persian Language & Literature, Azarbijan Shahid Madani University, Iran,
Y.nasrollahy@gmail.com

Date received: 2020-02-12, Date of acceptance: 2020-05-23

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

نقد کتاب نگارش و ویرایش

یدالله نصراللهی*

چکیده

نگارش و ویرایش اثر ارزنده احمد سمیعی (گیلانی) است که سال‌های متمادی کتاب درسی دانشجویی و اصلی‌ترین متن درسی دانشجویان در آموزش نگارش و درست‌نویسی بوده است. چاپ‌های متعدد و شمارگان زیاد و فراوان چاپ آن گویای اقبال فراوان خوانندگان و مخاطبان بدین اثر بوده است. این کتاب دو بخش عمده دارد: نگارش و ویرایش که سمیعی گیلانی تاحد امکان، با ذکر شاهد و مصداق، نظر و بحث خود را تبیین و اثبات کرده است. عمده‌ترین خطاها و لغزش‌های بخش اول (نگارش) اثر عبارت‌اند از نبود مقدمه، عنوان بخش‌ها به صورت جمله، یک‌دست‌نبودن آرایش پاراگراف‌ها، درج و توضیح مدخل‌های غیرنگارشی - مقاله تحقیقی، مرجع‌شناسی، وجود بخش تعریف - که با اثر نگارشی متناسب به نظر نمی‌رسند. خطاهای بخش ویرایش (خطاهای زبانی) عبارت‌اند از نیاوردن دلایل وافی در برشمردن خطاهای زبانی (ویرایش زبانی)، اصرار بر جدانویسی، مغایرت املائی کلمات با دستورخط فارسی فرهنگستان. این نوشتار در پی آن است که تاحد امکان همه موارد را با ذکر مصداق و شاهد از اثر نقل کند. روش تحقیق این نوشتار مقایسه‌ای، تحلیلی، و انتقادی است که مطالب خود را به شیوه اسنادی و فیش‌برداری گرد آورده است.

کلیدواژه‌ها: نگارش و ویرایش، نقد، خطاهای شکلی (صوری)، خطای ویرایشی.

* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، Y.nasrollahy@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۰۳

۱. مقدمه

مدت‌ها بود که در نظام آموزشی دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی درس دو واحدی «نگارش و ویرایش» برنامه‌ریزی شده بود. قبل از سال ۱۳۹۲ این درس به ارزش چهار واحد برای دانشجویان کارشناسی ارائه می‌شد، ولی بعد از سال ۹۲ و تغییر سرفصل دروس دوره کارشناسی این عنوان و ماده درسی به دو واحد تقلیل یافت و در عوض در دروس اختیاری واحدهایی با عنوان «کارگاه ویراستاری» و «مبانی آموزش زبان فارسی» را برای گروه‌ها و دانشجویان پیش‌نهاد کردند که به صورت اختیاری آن‌ها را انتخاب واحد کنند. شاید بی‌اغراق و مجاملت بتوان گفت که در این سال‌ها منبع درسی و در دسترس دانشجویان برای این درس کتاب پرمایه نگارش و ویرایش استاد احمد سمیعی (گیلانی) بوده است؛ کتابی که چاپ‌های متعدد و شمارگان فراوانش این نظر را تأیید می‌کند؛ از سال ۱۳۶۶ که چاپ اول این کتاب را سمیعی گیلانی با عنوان آیین نگارش و به صورت کتابچه‌ای در این موضوع به طبع رساند و بعد با افزودن و آرایش و پیرایش فراوان با عنوان «نگارش و ویرایش» در سال ۱۳۷۸ به صورت مفصل به چاپ رسید و به قول خود سمیعی شرح و بسط همان آیین نگارش بود. در سال ۱۳۹۵ این کتاب به چاپ پانزدهم رسید و در این مدت استادان و دانشجویان زبان و ادبیات فارسی آن را «الگوی» خود در نوشتن و ویرایش قرار دادند. می‌توان با تقریب و تخمین ادعا کرد که اغلب منابع عمده نگارش و ویرایش چاپ شده بعد از اثر سمیعی گیلانی، مستقیم و غیرمستقیم، تحت تأثیر این اثر بوده است و مشخصاً می‌توان به کتاب چهارجلدی کتاب کار نگارش و انشا از دکتر ذوالفقاری اشاره کرد و با آن مقایسه کرد و به تأثیرپذیری واضح دکتر ذوالفقاری از نگارش و ویرایش در مقایسه و تطبیق سطحی پی‌برد و حتی می‌توان در پژوهشی در مقایسه و سنجش کتاب‌های نگارش و ویرایش به این نظر رسید. قدرت و مهارت سمیعی گیلانی در نوشتن و به‌ویژه در ویرایش در مؤسسات و منابع متعدد دلیل اقبال فراوان مخاطبان به این اثر گرانمایه بوده است و در این نوشتار به بررسی و نقد نگارش و ویرایش پرداخته خواهد شد. پیش از بیان مطالب، لازم است یادآوری شود که این مطالب بیش‌تر نظرهای استحسانی است و باید اذعان کرد که در این اثر عیب و کاستی فاحشی که متن را مخدوش کند تقریباً اندک است و به قول موری، که در تمجید از امر نقد کتاب گفته است حقیقت مسلم این است که منتقد با نقد کتاب به آن کتاب ارج و بهایی خاص قائل می‌شود (موری ۱۳۷۵: ۴۸)، صاحب این قلم نیز به دلیل ارزش‌مند دانستن اثر سمیعی گیلانی به نقد و بررسی آن پرداخته است امید است که با توفیق هم‌راه باشد.

از سؤال‌های عمده در حوزه این تحقیق می‌توان به این موارد اشاره کرد: کاستی‌ها و ضعف‌های احتمالی موجود در نگارش و ویرایش چیست؟ نقش این کتاب در آموزش و هدایت دانشجویان در وادی نگارش و ویرایش چه اندازه بوده است؟ تناقض، تکرار، و ایرادهای محتوایی و ظاهری اثر چه بوده است؟ می‌توان در این نوشتار این موارد را فرضیه تلقی کرد: نوشتن و درست‌نوشتن اصل مهمی در جامعه علمی و دانشگاه‌هاست که نگارش و ویرایش به ترتیب این خواسته را برآورده می‌کند؛ برای تقویت روحیه خلاقیت و نوآوری در محیط‌های دانشگاهی باید اهتمام بیش‌تری به امر و درس نگارش ورزید؛ نوشتن و درست‌نویسی امری تمرینی است که با تکرار می‌توان بیش‌تر آن را پرورد. واقعیت آن‌که در موضوعات مربوط به نگارش اگر با کمبود منابع مواجه نباشیم، لاقلاً در این زمینه فراوانی منابع نیز نداریم. درباره پیشینه تحقیق، غالب منابع مرتبط با نگارش و درست‌نویسی می‌توانند سزاوار اعتنا باشند؛ مجموعه مقالاتی با عنوان درباره زبان فارسی که نشر مرکز چاپ کرده است و در حوزه درست‌نویسی و ویرایش بیش از هر اثری غلط‌نویسیم مرحوم نجفی مؤثر بوده است و مجموعه مقالاتی با عنوان درباره ویرایش است که هم سمیعی گیلانی در تألیف کتاب خود و هم ما در تدوین این مقاله از آن‌ها بهره برده‌ایم. از حیث رعایت چهارچوب و اصول این نوشتار، به مقالات نشریه وزین پژوهش‌نامه انتقادی نظر داشتیم. البته گفتنی است که در منابع الکترونیک نوشته‌هایی درباره نگارش و ویرایش سمیعی در دست است که ظاهراً در زمان‌های تجدید چاپ این اثر به معرفی توصیفی آن پرداخته و اغلب با زبان و ادبیات تمجیدآمیز کتاب سمیعی را به مخاطبان معرفی کرده‌اند.

۲. بحث

امروزه نوشتن برای جوامع هم نیاز و هم ضرورت است؛ واحد تولید علم و تبیین نظری آثار خلاق علمی و ادبی نوشته است و به‌منظور دریافت و انتقال علم و تکنولوژی، ما نیز به آماده‌سازی زبان خود نیاز داریم (منصوری ۱۳۷۵: ۳۰۴) تا زبان و فرهنگ خود را به‌صورتی درآوریم که به‌جای این‌که بیش‌تر واردکننده از زبان‌های دیگر باشیم، محصولات و آثار زبانی خود را بدان زبان‌ها صادر کنیم (ایرانی ۱۳۷۵: ۲۳۸). برخی بر آن‌اند که نوشتن را امری ذهنی و شخصی بدانند (باستی ین ۱۳۷۵: ۳۹)، ولی حق آن است که نویسندگی را امری فردی باید دانست که در انتقال و تغییر فرهنگ و اجتماع نقش فراوانی ایفا می‌کند. اما در عصر جدید به‌غیراز ارج و اهمیت‌دادن به نوشتن باید به ویرایش نیز توجه خاصی کرد

که اصول درست‌نویسی و پرهیز از غلط‌نویسی را تعلیم می‌دهد و آن تبلیغ و ترویج می‌کند و به همین دلیل برخی ویرایش را در مرز بین علم و مهارت قرار می‌دهند و تعلیم و تعلم آن را ضروری می‌دانند (معصومی همدانی ۱۳۷۵: ۷۱) و به حق برخی به‌جا گفته‌اند که پیش‌نهادهای ویراستار می‌تواند کتاب خوب را خواندنی‌تر کند (بل ۱۳۷۵: ۶۵). در جوامعی که ارجح و اهمیت کار ویراستار والاست و او و شغل او را به‌جد می‌گیرند، ویراستار را چشم‌ناشر می‌دانند (استیتون ۱۳۷۵: ۷).

کتاب نگارش و ویرایش از دو بخش (دفتر) نگارش و ویرایش ترکیب یافته است؛ مؤلف برای دفتر نگارش چهار فصل آورده است: ۱- کلیات؛ ۲- زبان نوشته؛ ۳- خصایص بلاغی زبان؛ ۴- راه‌های پروردن معانی. برای دفتر دوم نیز چهار فصل آورده است: ۱- انواع خدمات ویرایشی؛ ۲- مراحل خدمات ویرایشی؛ ۳- ویرایش زبانی؛ ۴- ویرایش فنی. سمیعی برای دفتر دوم مقدمه‌ای در آغاز و ضمائم در پایان آورده است. دفتر اول، در فصل اول، هشت مدخل در موضوعات کلی مربوط به نگارش، انواع و محدودیت‌های آن، و نویسندگی و معماری، و... دارد. در فصل دوم نیز به بخش‌های متفاوت در موضوعات انواع زبان، گونه‌های کاربردی آن، زبان معیار و شکسته، و... در فصل سوم به خصایص بلاغی زبان، سادگی، سلاست، ایجاز، و تنوع پرداخته است، و فصل آخر دفتر نگارش به راه‌های پروردن معانی چون تعریف، توصیف، مقایسه، مکالمه، و... اختصاص یافته است؛ بخش‌های مهمی که می‌توان در آن‌ها تأمل و درنگ کرد به‌قرار زیر است:

در فصل اول، با عنوان «کلیات»، ذیل ۴ این عنوان آمده: «نوشته، محصول تجربه و معلومات و تحقیق» است که بخشی مهم و ارزنده است و می‌توان چندین بار آن را خواند و از آن نکته‌ها آموخت. در فصل دوم، «زبان نوشته»، نویسنده به‌درستی تجویز و تأکید کرده که رسانه‌های گروهی زبان شکسته به‌کار نبرند (سمیعی گیلانی ۱۳۹۵: ۶۸) و تقسیم زبان به «فعال و غیرفعال» نیز می‌تواند مفید واقع شود (همان: ۹۵). مهم‌تر از همه، مؤلف کتاب نظری دقیق و خوب در انتخاب زبان دارد که به‌دلیل اهمیت عیناً در این‌جا نقل می‌شود:

به‌نظر ما، هر دوره‌ای دارای شم زبانی مختص به خود است و در آخرین تحلیل شم زبانی زنده و پرورده آن عده از ارباب قلم که با تتبع آثار و متون به نوعی زبان‌آگاهی جامع‌الاطراف دست یافته‌اند می‌تواند ملاک تمییز درست از نادرست باشد. تتبع در استعمال قدما و تحول زبان فقط به این زبان‌آگاهی کمک می‌کند (همان: ۱۸۵).

دفتر دوم را سمیعی به ویرایش اختصاص داده و آن نیز از چهار فصل ترکیب یافته است: فصل اول به انواع خدمات ویرایشی در شش زیرفصل به اعتبار نوع ویرایش و اثر، حوزه محتوایی، حجم اثر، و مخاطبان، و...؛ فصل دوم از آن مراحل خدمات ویرایشی در ده زیربخش و به بررسی و ارزیابی، تماس با صاحب اثر، و... تعلق دارد؛ و در فصل سوم، که مهم‌ترین و اصلی‌ترین فصل مربوط به ویرایش است، به مبانی و خطاهای ویرایش زبانی با ذکر خطا و نقل صورت درست آن و با نقل شواهد و مصادیق می‌پردازد؛ فصل چهارم از آن ویرایش فنی، شیوه‌املا، آوانویسی، و... است.

اینک خرده‌ها و اشکالات عمده در این اثر به ترتیب صفحه و به قرار ذیل ذکر می‌شود.

۳. خطاهای شکلی و ظاهری

این اشکال عمدتاً در دفتر اول (نگارش) مشهود است:

۱. کتاب را نخست با فصل اول (کلیات) شروع کرده، بی‌آن‌که مقدمه‌ای بیاورد.
۲. برخی از عنوان زیرفصل‌ها به صورت جمله و حتی جمله پرسشی است:
«همه ما به نوشتن نیاز داریم» (سمیعی گیلانی ۱۳۹۵: ۳)؛
«چرا گفتن آسان است و نوشتن دشوار؟» (همان: ۵).
۳. هرچند قانون مطلق در رعایت تعداد سطور پاراگراف وجود ندارد و از این حیث شاید نتوان این امر را عیب دانست، می‌توان ذکر کرد که ناهنجاری در آرایش و چینش پاراگراف‌ها وجود دارد؛ در صفحه شش، شش پاراگراف آمده است که پاراگراف اول چهار سطر، دوم هفت سطر، سوم یک سطر و نیم، چهارم دو سطر و نیم، پنجم سه سطر و نیم، و ششم چهار سطر است.
۴. به نظر می‌رسد که وجود برخی زیرفصل‌ها در کتاب ضروری و لازم نیست: مقاله تحقیقی در ص ۲۸، بررسی و نقد در ص ۳۰، و مرجع‌شناسی در ص ۴۴؛ به این دلیل که دانشجویان زبان و ادبیات فارسی دروس و واحدهای مستقلی با عنوان روش تحقیق، مرجع‌شناسی، و کارگاه مقاله‌نویسی دارند.
۵. بخش استدراک - آیرونیا در ص ۷۳، که در چاپ‌های قبلی نبوده و سمیعی گفته است که آن را از منبعی فرانسوی اقتباس کرده، مطالب عمده این بخش در بخش قبلی (طنز، مطایبه) آمده است.

۶. وجود برخی بخش‌ها یا زیرفصل‌ها در کتاب نگارشی به توجیه فراوان نیاز دارد؛ مثلاً بخش «استدلال» در ص ۱۴۰ و بخش «تقسیم‌بندی» در ص ۱۵۵، بی‌آن‌که مصادیق و شواهدی از آثار ادبی برای آن آورده شود؛ حتی ضرورت بخش «تعریف» در ص ۱۲۲ به نظر مفید نیست و به‌ناگزیر برای یافتن شواهد و مصادیق نویسنده مجبور شده تا از اثر طنزآمیز *التفاصيل* توللی شاهد مثال بیاورد.

۷. وجود عطف‌های فراوان و بی‌شمار یا ذکر هم‌پایه‌های متعدد از مختصات این کتاب است و شاید نتوان آن را خطا و لغزش دانست و حتی می‌توان آن را از مختصات سبکی اثر و صاحب آن دانست؛ برای نمونه:

الف) «عفت قلم و حفظ حرمت صاحب اثر و رعایت انصاف و پرهیز از ارزش‌داوری بی‌پایه و اظهارنظرهای عاطفی و متأثر از انفعالات روانی نیز شرط است» (همان: ۳۲)؛

ب) «یا درسی است یا مطبوعاتی یا وسیله تفریح و سرگرمی، برای انتقال خبر است یا برای طرح تقاضا یا اقامه دعوی یا بیان عواطف یا وصف احوال نفسانی یا درد دل با خود و با دوست یا دادن اطلاعات در رشته و زمینه‌های خاص و...» (همان: ۴۸).

و همین عامل علت اصلی ابهام و غموض متن این کتاب، به‌ویژه در نگارش، است.

۸. تکرار مطالب، مثلاً دو سطر اول ص ۵۰ در پاراگراف دوم ص ۵۳ عیناً تکرار شده است و مثال‌ها و شواهدی که در دفتر ویرایش تکرار شده‌اند:

- کاهش بارندگی در سال گذشته در کمبود منابع آب‌های زیرزمینی بی‌تأثیر نیست (همان: ۲۱۳) که عیناً این مثال را در ص ۲۴۱ نقل کرده است؛

- در این طرح، حیف‌ومیل زیادی انجام شده است (همان: ۲۰۴) که در ص ۲۴۱ تکرار شده است؛ سمیعی این شاهد مثال را یک بار در صورت تبیین خطای مربوط به «انجام» و بار دیگر در خطای مربوط به «اشکال منطقی» آورده و در هر دو صورت درست را به شکل واحد ذکر کرده است.

- و نیز در این مثال: «انطباق مصنوعی بین ... را نیز به‌کار گرفتند» (همان: ۲۱۴) که در ص ۲۳۰ دوباره آورده است؛ این شاهد مثال را نیز، یک بار در خطای مورد نظر «کاربرد فعل لازم به‌جای متعدی» و بار دیگر در مصداق خطای «تعبیرهای دراز و متکلفانه» آورده است.

۹. مورد دیگر از تناقض در کتاب شیوه پیش‌نهادی سمیعی در املاهای برخی از کلمات است: در ص ۲۸۵ «طارم» و در ۲۹۱ «تارم» آورده شده است.

۱۰. در ص ۴۵، «هیوی» به کار برده است: «از حیث اشتغال بر مباحث لغوی... اساطیری، و حتی نجومی و هیوی و نظایر آنها» (همان: ۴۵) ظاهراً منظورشان منسوب به هیئت است؛ در لغت‌نامه دهخدا هیوی منسوب به هیئت (علم نجوم و متعلقات) به کار رفته است، بی آن‌که شواهدی از متون بر آن نقل کند، اما در منابع لغت عربی و مشخصاً در المعجم الوسیط اثری از هیوی نیست.

۴. اشکالات محتوایی

۱. سمیعی در کل اثر به جای منظم‌تر «منتظم‌تر» به کار برده است (سمیعی گیلانی ۱۳۹۵: ۵۰)؛ گفتنی است که با استناد به لغت‌نامه دهخدا، منتظم در معنی منظم در متون قدیم کاربرد دارد، ولی در زبان امروز بیش‌تر منظم کاربرد دارد؛

۲. در ص ۱۹، به جای «بلامقدمه» شاید بی مقدمه بهتر باشد؛

۳. مؤلف این اثر آدرس دقیق مرجع و مأخذ مقولات و مقولات و قول و نشانی ابیات را ذکر نکرده است، نام و شماره سوره و آیات را نیاورده است (همان: ۱۰۱) یا در ص ۱۱۵ برای بحث ایجاز به ابیاتی از سعدی استناد کرده، بی آن‌که به آدرس دقیق صفحه متن آن اشاره کرده باشد و با آن‌که در ص ۱۴۵ پاراگراف سوم به اهمیت ذکر نشانی شاهد پرداخته، ولی خود به آن عمل نکرده است. در حالی که در ص ۱۸۸ پاراگراف دوم به وجوب ذکر کردن یا نکردن منبع مأخذ اشاره کرده است و این هم اثری از وجود پاره تناقض در این کتاب است؛

۴. در ص ۴۳، پاراگراف سوم، کلمه «متذوق» عربی در فارسی بار معنایی منفی دارد، ولی مؤلف آن را در مفهوم مثبت به کار برده است؛

۵. عنوان فصل چهارم دفتر اول راه‌های پروردن معانی است. پرورش به نظر رساتر و زیباتر از پروردن می‌رسد؛

۶. مثال «مهشید اما سرگرمی‌های خاص خود را دارد» (همان: ۲۴۰) تعبیر شاعرانه دارد و مؤلف آن را چنین تصحیح کرده است: «اما مهشید سرگرمی‌های خاص خود را دارد»؛ به نظر می‌رسد با جابه‌جایی اما از وسط به آغاز جمله نمی‌توان جمله را شاعرانه کرد یا شاعرانگی آن را از بین برد؛

۷. در ص ۲۴۹، در مدخل اسم مکان و زمان، اسم‌هایی را آورده است؛ همه آن اسم‌ها اسم مکان‌اند و خبری از اسم زمان نیست؛ برای مثال: مقتل، منزل، مزرعه، مجتمع، و....

۵. منطبق نبودن شیوه املائی کلمات با دستورخط فارسی فرهنگستان

سمیعی در بخش یادداشت کتاب خود ذکر کرده است که شیوه پیش‌نهادی وی در رسم‌الخط و متن کتاب با دستورخط فارسی مغایرت دارد؛ او به جای «ء» کوچک همه جا «ی» بزرگ به کار برده است. یکی از توجیحات ترجیح کاربرد «ء» کوچک در مقابل «ی» بزرگ شاید این باشد که در روزگار صرفه‌جویی در انرژی و کاغذ کاربرد «ی» کوچک مقرون به صرفه باشد. علاوه بر این، استادان به نام ادبیات فارسی «ء» کوچک را بیش‌تر از «ی» بزرگ در آثار خود به کار برده‌اند. این امر در کتاب آن‌قدر شایع است که نیازی به ذکر مثال نیست. در این زمینه، مهم‌تر از همه علاقه و شیفتگی خاص سمیعی به جدانویسی کلمات مرکب است، حتی کلمات جاافتاده زیر را بدین شکل و جدا نوشته است:

دست‌رس (ص ۴)، دانش‌جویان (ص ۵)، نمایش‌نامه (ص ۷)، راه‌نما (ص ۲۷، ۱۸۶)، کتاب‌خانه (ص ۱۴۷)، دانش‌نامه (ص ۱۷۹)، پیش‌نهاد (ص ۱۹۰)، هم‌کاری (ص ۱۹۵)، و خوش‌نویسی (ص ۲۶۱).

۶. موارد طرح‌پذیر در ویرایش فنی

۱. ویرایش فنی کتاب آیین نگارش و ویرایش خاص است و به دلیل همین ویژه‌بودن سریع به چشم می‌زند و باز می‌توان در این باره هم آن را عیب فاحش ندانست، ولی برای طرح مسئله به ذکر آن می‌پردازیم که نویسنده اثر، بعد از حروف ربط و پیش از گروه قیدی، مکرر ویرگول می‌گذارد. مثلاً در ص ۳ بعد از و، و در ص ۴ بعد از که، و... ویرگول گذاشته است. بدیهی است که فلسفه کاربرد ویرگول مکث کردن است و نیامیختن خواندن و فهم مطلب پیش از ویرگول با پس از ویرگول است؛ به نظر نمی‌رسد که امکان خواندن ترکیبی و آمیزشی حرف ربط در زبان فارسی باشد. صفحه‌ای نیست که این نوع نشانه‌گذاری در آن به کار نرفته باشد؛

۲. در زبان فارسی و در عطف یا هم‌پایه‌سازی کلمات با ویرگول، پیش از آخرین کلمه، معمول است که «و» می‌گذارند، ولی سمیعی کاربرد «و» را مجاز نمی‌داند و در همه آن موارد از ویرگول بهره برده است. در ص ۱۲۲، چهار سطر مانده به آخر و در ص ۱۴۵ پاراگراف اول و مهم‌تر از همه در ص ۲۳۹ پاراگراف آخر، و در آغاز همان پاراگراف، بعد از اما ویرگول به کار برده که بیان‌گر کاربرد بیش از حد این علامت ویرایش فنی است؛

۳. در ص ۱۹۸، شماره ۶ بعد از پشت جلد، ظاهراً ویرگول بهتر از نقطه ویرگول است: «تهیه معرفی‌نامه و شرح پشت جلد؛ تهیه شرح روی جلد، صفحه عنوان، صفحه حقوق، صفحه عنوان لاتینی» (سمیعی گیلانی ۱۳۹۵: ۱۹۸)؛

۴. در ص ۵۱ و در زیربخش ۲، بعد از پایان هر مورد و طبق استناد به ص ۳۰۱ خود کتاب نگارش و ویرایش در کاربرد نقطه ویرگول، باید به جای ویرگول از نقطه ویرگول استفاده کرد.

۷. سبک خاص

برخی موارد در کتاب نگارش و ویرایش است که می‌توان از آن به ویژگی‌های سبکی صاحب اثر تعبیر کرد؛ مثلاً مؤلف به استفاده از درهم‌تنیدگی فعل در زمان گذشته و حال علاقه خاصی دارد و تا توانسته این شیفتگی را به‌منصه ظهور گذاشته است:

«در جهان معاصر نیز جامعه‌هایی بودند - و شاید هنوز هم باشند - که همان حال را داشتند و دارند، و برای پیام‌رسانی کلامی تنها از گفتار استفاده می‌کردند و می‌کنند» (سمیعی گیلانی ۱۳۹۵: ۳).

نویسنده تعبیراتی خاص به کار برده است؛ مانند نظرگیر به جای «چشم‌گیر» (ص ۹، ۴۷) یا به جای جهان استکبار «جهان استکباری» - اگر غلط تاپیی نباشد یا «پذیرفتار» (ص ۱۴۶)، «فهرستی نیم‌بسته» (ص ۲۳۴)، و «نوخامه» (ص ۲۳۷) که مکرر در کتاب آمده است.

۸. موارد درخور ذکر در دفتر ویرایش

مهم‌ترین بخش در حوزه تجویزی و درست‌نویسی از آن ویرایش است که استاد سمیعی گیلانی با استناد به غلط‌نویسیم و مقالات درباره ویرایش و درباره زبان فارسی به‌صورتی منظم خطاهای زبانی را فهرست کرده و با ذکر نمونه‌ای، صورت درست آن را آورده است؛ گفتنی آن‌که سمیعی، برخلاف نجفی و ظاهراً به دلیل کمبود مجال کتاب، اساس را بر ذکر مختصر دلیل گذاشته و به‌اجمال به توضیح موارد خطا پرداخته است. به‌ترتیب برخی از موارد بحث‌برانگیز را می‌آوریم:

۱. در زیر مدخل «انجام» در ص ۲۰۴ و در ذکر صورت غلط کاربرد آن مثالی می‌آورد: انجام وظیفه می‌کند و در صورت درست آن دوباره کلمه انجام را آورده است: وظیفه‌اش را انجام می‌دهد؛

۲. در غلط‌های مربوط به تشکیل‌دادن در ص ۲۰۶ می‌توان افزود که حق با مؤلف است و این کاربرد غلط از رسانه‌ها و مطبوعات وارد قلمرو زبان فارسی شده و حتی به‌خطا از روی آن تعبیرهای «مشکله، متشکله، و...» ساخته شده که در ادب گذشته سابقه ندارد؛
۳. در ص ۲۰۷ و در مدخل «جای‌جای» باید گفت این تعبیر در متون گذشته به‌کار رفته است و نجفی نیز این مدخل را در غلط‌نویسیم نیاورده است:
- این بگفت و گریه درشد های‌های اشک غلطان بر رخ او جای‌جای
(مولوی ۱۳۷۵: ج ۵، ۱۷۷)؛
۴. در ص ۲۱۲ و در مدخل «می‌باشد» نوشته است که «بهتر است به‌جای آن است به‌کار رود» (سمیعی گیلانی ۱۳۹۵: ۲۱۲). برخلاف نظر نویسنده، می‌توان گفت که این تعبیر (می‌باشد) در متون قدیم کاربرد دارد: «صواب آن است که عزیزاً مکرمماً بدان قلعت مقیم می‌باشد با همه قوم خویش» (بیهقی ۱۳۹۲: ۷).
۵. در این خطاهای زبانی، مدخلی که به‌نظر می‌رسد جای آن خالی است، کاربرد نابه‌جای هم‌کرد فعل مرکب «نمودن» به‌جای «کردن» است و خطای شایعی است؛
۶. واژه نظرات در ص ۲۱۲، به‌رغم توضیح نجفی (۱۳۸۷: ۳۹۱)، و جمع‌بستن کلمات سه‌حرفی با «ات» در متون کاربرد دارد؛ مثلاً خطرات در کلبه و دمنه (ابوالمعالی ۱۳۷۳: ۲۴۹)، حرکات، سکانات در آن اثر و...؛
۷. «در صورت اصلاحی شاهد اول: کارفرمایان مکلف‌اند امکانات لازم را در اختیار کارگران قرار دهند و طرز استفاده از آنها را نیز به آنان آموزش دهند» (سمیعی گیلانی ۱۳۹۵: ۲۱۷)، می‌توان از «قرار دهند» دهند را به قرینه حذف کرد؛
۸. «در این شاهد مثال: معنی غیر مراد: (در عداوت رسول به کفار عرب) هم‌داستان بودند» (همان: ۲۲۵)، ظاهراً «با» به‌جای «به» درست است؛
۹. در ص ۲۴۲ و در بخش عربی در فارسی، پیش‌گام این موضوعات زنده‌یاد فرشیدورد است با تألیف کتابی با این عنوان؛
۱۰. در ص ۲۴۶ و در پاراگراف آخر و سطر دوم، آیا کلمات علما، فضلا، ادبا، شعرا در پایان همزه دارند؟
۱۱. در ص ۲۵۸ صراحتاً از روش جدانویسی کلمات مرکب استاد مصفا تمجید و بدان عمل کرده است، درحالی‌که سمیعی معتقد است که برخی از کلمات باید جدا و برخی پیوسته نوشته شوند؛

۱۲. در ص ۲۷۳، پاراگراف آخر، تبصره، می‌توان گفت که تفاوت تلفظ و املائی «رهرو و رهروی» برگرفته از تلفظ زبان قدیم و محاوره است، اولی در قدیم و دومی در محاوره کاربرد دارد.
۱۳. در ص ۲۷۴ و در مدخل «نشانه همزه» مقاله ارزش‌مند مرحوم حق‌شناس با عنوان «نقش‌های دوگانه همزه در ساخت آوایی زبان فارسی» سزاوار یادآوری است؛
۱۴. در ص ۲۷۶ دلیل قانع‌کننده‌ای در اختلاف املائی دو کلمه عربی «صلوة و زکات» نیاورده است؛
۱۵. در ص ۲۷۷، سطر دوم املائی کلمه را «الاهی» آورده، ولی گفته به استثنای «اله» باید چنین نوشته شود؛
۱۶. در ص ۲۸۳ و در املائی کلمات و برای نمونه پیش‌نهادهای خاص و تأمل‌برانگیز دارد: آزوقه (ص ۲۸۳)، اسطبل (ص ۲۸۴)، بغچه (ص ۲۸۴)، غدغن (ص ۲۸۸)، غورباغه (ص ۲۸۸)، و قوتی (ص ۲۸۸)؛
۱۷. در ص ۳۳۰، برخلاف دستورالعمل ارائه‌شده، «چنانچه» را پیوسته نوشته است (؟)؛
۱۸. در ذکر مشخصات کتاب‌شناسی در ص ۳۱۶، آورده که «خواجه عبدالله انصاری» باید نوشت که به‌نظر پذیرفتنی نیست و باز در ص ۳۱۶ و در نوشتن مشخصات کتاب‌شناسی آثار سلمی، «پورجوادی، نصرالله» را در آغاز آورده است؛
۱۹. در ص ۳۱۹ و برای یافتن متناظر سال‌ها، می‌توان به اثر ارزنده بیرشک با عنوان *گاه‌نامه تطبیقی سه‌هزارساله* اشاره کرد.

۹. ویرایش زبانی اثر

در متن نگارش و ویرایش پاره‌ای خطاهای ویرایشی دیده می‌شود:

۱. رسانه‌های گفتاری (در صدا و سیما) اگر از آن‌ها بهره‌برداری معقولانه بشود می‌تواند ناتوانی‌های خط فارسی را در پرورش زبان معیار جبران کند (سمیعی گیلانی ۱۳۹۵: ۲۵۹). شاید آغاز جمله را چنین اصلاح کنیم بهتر شود: اگر از رسانه‌های گفتاری (در صدا و سیما) بهره‌برداری معقولانه بشود،...
۲. خطای به‌کاربردن داشتن به‌جای کردن:
توجه داشت: «پیش از هرچیز باید توجه داشت» (همان: ۳۲)، عرضه می‌دارند (همان: ۱۹۵)، اقتضا دارد (همان: ۲۱۹)، و پرهیز دارند (همان: ۲۲۷).

۳. توجه نماییم: «روزی با آن‌ها سروکار یابیم توجه نماییم» (همان: ۴۱) که بهتر است توجه کنیم باشد.
۴. هست به جای است: «این هم هست» (همان: ۶۲)؛ ص ۷۱ پنج سطر مانده به آخر و ص ۱۲۲ سطر ششم؛
۵. سقطات در ص ۱۸۳ پاراگراف ۳ (جمع کلمه سه حرفی با «ات»؛ با توضیحات نویسنده در ص ۲۱۲ منافات دارد که کاربرد چنین جمع‌هایی را به پیروی از دکتر نجفی غلط دانسته است (نجفی ۱۳۸۷: ۳۹۱).
۶. کاربرد تعبیر قابل: «این نظر به هیچ‌رو قابل دفاع نیست» (همان: ۱۸۳) که با توضیحات نویسنده در ص ۲۱۱ و با مطالب مؤلف غلط ننویسیم تناقض دارد.
۷. در ص ۱۸۹ «بس مؤثر» را به کار برده است که در صفحات پیشین کتاب تعبیر «بس» را قدیمی دانسته است و کاربرد آن را در زبان امروزی مجاز نمی‌داند. این موارد (خطاهای ویرایش زبانی) عیناً، با استناد به متن کتاب نگارش و ویرایش، استخراج شده است.

۱۰. غلط‌های تایپی

پایان این نوشتار از آن غلط‌های تایپی است که به ناگزیر در آن مندرج است:

۱. ص ۷۹، سطر آخر، آمبولی؛
۲. ص ۱۱۶؛
۳. ص ۱۴۷، اتم سکاری که السکاری درست است؛
۴. ص ۲۳۴ امریکا که باید آمریکا باشد؛
۵. ص ۲۴۸، هشت سطر مانده به آخر، اطفاء درست است؛
۶. ص ۲۵۷ و ۲۵۸، ملیونی آمده که ملیونی درست است؛
۷. ص ۲۷۷، سطر دوم، هارون درست است؛
۸. ص ۲۷۷، سطر هشت لدی الورود باید باشد.

۱۱. نتیجه‌گیری

نگارش و ویرایش اثر ارزنده و به نام احمد سمیعی (گیلانی) است که دانشجویان آن را در دوره‌های مختلف دانشگاهی می‌خوانند و درس نگارش و کارگاه ویراستاری را با آن

می‌گذرانند. این کتاب منبعی است که آثار بعد از خود را با شدت و ضعف تحت‌تأثیر قرار داده است و حتی منتقدان از آن به الگویی برای نگارش و ویرایش تعبیر کرده‌اند. نگارش و ویرایش دو بخش مجزا درباره نگارش و ویرایش دارد و سمیعی می‌کوشد که کلیات، زبان نوشته، خصایص بلاغی، و راه‌های پرورش معانی را در دفتر اول تبیین کند؛ در بخش ویرایش نیز مباحثی درباره خطاهای زبانی، ویرایش فنی، املا، و عربی در فارسی دارد. هرچند نام و حرفه ویراستاری سمیعی در ویرایش و ویراستاری برای هر منتقد و خواننده‌ای سهمگین است و سنگین، این قلم بر آن بوده است که پاره‌ای از خطاها و اشتباهات در این اثر را استخراج و ارائه کند: تکرار، چینش ناهنجار پاراگراف‌ها، درج برخی بخش‌های غیرمرتبط با نگارش (مقاله تحقیقی، مرجع‌شناسی، و...)، و عطف‌های متعدد را می‌توان برخی از کاستی‌هایی دانست که در دفتر نگارش وارد شده است و در بخش ویرایش، نبود توضیح وافی و کافی در هر مدخل خطا، محل اشکال‌بودن برخی خطاها، طرح‌نکردن کاربرد خطای هم‌کرد فعل نمودن به‌جای کردن، و عدول از دستورخط و املا، پیش‌نهادی خود را می‌توان از این نوع برشمرد. علاوه‌براین، در اثری دانشگاهی، باید آدرس دقیق منبع و مرجع را ذکر کرد که متأسفانه مؤلف در اغلب موارد این امر را لازم ندانسته است. باین‌وصف، این موارد چون قطره‌ای است در جنب دریای ارزش‌های والای اثر که چون هیچ درشمار نمی‌آید و فقط گویای آن است که گردآورنده این نوشتار خرد این اثر را خوانده است و امید دارد که به راه خطا نرفته باشد.

کتاب‌نامه

- ابوالمعالی، نصرالله منشی (۱۳۷۳)، ترجمه کلیله و دمنه، تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهران، تهران: امیرکبیر.
- استیتون، الزی مایرز (۱۳۷۵)، «ویراستار چگونه آدمی است و چه می‌کند؟»، ترجمه ناصر ایرانی، در: درباره ویرایش، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ایرانی، ناصر (۱۳۷۵)، «خطرهایی که زبان را تهدید می‌کند»، در: درباره زبان فارسی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- باستی ین، لوید (۱۳۷۵)، «راه و رسم کار با نویسندگان»، ترجمه ناصر ایرانی، در: درباره ویرایش، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- باطنی، محمدرضا (بی‌تا)، «اجازه بدهید غلط بنویسیم»، آدینه، ش ۲۴.
- بل، جس (۱۳۷۵)، «در آداب ویراستار یک‌دنده»، ترجمه علی‌محمد حق‌شناس، در: درباره ویرایش، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- بیرشک، احمد (۱۳۷۳)، *گاه‌نامه تطبیقی سه‌هزارساله*، تهران: بنیاد دانش‌نامه بزرگ اسلامی.
- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۹۲)، *تاریخ بیهقی*، مقدمه، تصحیح، تعلیقات، توضیحات، و فهرست‌ها از محمدجعفر یاحقی و مهدی سیدی، تهران: سخن.
- پورجوادی، نصرالله (۱۳۷۵) *گردآورنده، درباره زبان فارسی*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پورجوادی، نصرالله (۱۳۷۵) *گردآورنده، درباره ویرایش*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حقوق‌شناس، علی محمد (۱۳۷۰)، «نقش‌های دوگانه همزه در ساخت آوایی زبان فارسی»، در: *مقالات ادبی، زبان‌شناختی*، تهران: نیلوفر.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶)، *کتاب کارنگارش و انشا*، ج ۱ - ۴، تهران: اساطیر.
- سمیعی، احمد (۱۳۷۵)، «آداب ویراستاری»، در: *درباره ویرایش*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- سمیعی، احمد (۱۳۹۵)، *نگارش و ویرایش*، تهران: سمت.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۶۳)، *عربی در فارسی*، تهران: دانشگاه تهران.
- معصومی همدانی، حسین (۱۳۷۵)، «بیماری‌های ویراستاری»، در: *درباره ویرایش*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- منصوری، رضا (۱۳۷۵)، «چرا و چگونه زبان فارسی باید زبان علمی باشد؟»، در: *درباره زبان فارسی*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- موری، مارک لند (۱۳۷۵)، «پذیرفتن انتقاد و بهره‌گیری از آن»، در: *درباره ویرایش*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۷۵)، *مثنوی معنوی*، ج ۵، تهران: توس.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۷)، *غلط‌نویسیم*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.